

همه چیز درباره مراسم تنفیذ و تحلیف ریاست جمهوری

## روز رئیس جمهور



قلبیم را گره زدم  
امفا بازتر نکنید

محمد عکاف



کوه به کوه نمی رسه  
ولی مربی به بازیکن می رسه

## آشتی کنان...!



## هشت روایت برای این روزها که از مدینه تا خراسان ستاره باران است

### رفیق که می گویند

# یعنی شما!

فاطمه نیک

## قرار روزانه

وقتی می‌خواهی از خونه بزنی بیرون، کلاس داری، تفریح می‌ری یا هر جایی، حتی در سال تحصیلی تا در خونه رو می‌بندی که بری سمت مدرسه، یک لحظه صورتت رو به سمت مشهد و حرم بچرخون، دست تکون بده و بگو سلام انیس و رفیق و همدل و مهربون. بین وقتی امام رضا(ع) اولین کسی باشه که در اول روز بهش سلام کردی، اون روز چه روزی شود. صلوات خاصه، اسم صلواتی هست که مخصوص امام رضا(ع) است. چند خط هم بیشتر نیست، اگر تا حالا حفظ نکردین یک مدتی وقت بذارید و حفظش کنید و هر جایی که صورتتون چرخید سمت حرم، یک صلوات اختصاصی برای امام رضا(ع) بفرستید. یک مدت که این کار رو انجام بدی برات به عادت خیلی خوبی تبدیل می‌شه، دیگه کم کم صورتت خودش می‌چرخه سمت حرم.

## رفاقت

یک وقتی هست که از یک نفر خیلی خوشت میاد. ته دلت را هم نگاه کنی بازم اون یک نفر را دوست داری. اصلاً اسمش هم که میاد چشمات برق می‌زنه. ولی نمی‌تونی و نمی‌دونی چطوری باید این دوست داشتن زیاد را نشون بدی. نمی‌دونی اگر چه کاری بکنی اون طرف هم متوجه ارادت قلبی تو می‌شه؟! یکی مثل امام رضا(ع) که دوست داری یک‌چورای خوبی قریوتش بری، آن‌قدر که هموطن خوبی برامون هستن. اصلاً دوست داریم یک هموطن خوب، یک همشهری نمونه برانشون باشیم، ولی چطوری؟ خودتون گفتن: «الاسام الانیس الرفیق». این را که می‌فهمیم، دلمون می‌خواد ما هم یک کم رسم رفاقت بلد باشیم. کارهایی کنیم که این همون مهربون، تلاش‌ها و سنگ‌توم گذاشتن‌های ما رو ببینن. ممکنه هر کسی راهکارهایی کشف کنه که با اونا بتونه با امام مهربونش رفاقت کنه، منم چند پیشنهاد براتون دارم.

## ماهم خادم بشویم

خیلی از ما فکر می‌کنیم خادم امام رضا(ع) فقط همون کسی هست که توی حرم چوب پر دستش بگیره و زائر آقا رو راهنمایی کنه، ولی خوب که دقت کنیم خادم هر کسی هست که خدمتی به امام رضا(ع) بکنه. نگاهی به اطرافمون بندازیم و کارهایی را پیدا کنیم که انجام دادنش برای امام رضا(ع) است؛ مثلاً این که هر هفته حدیثی ازشون بنویسیم و در تابلوی اعلانات ساختمان نصب کنیم، این یعنی خدمت فرهنگی در راه امام رضا(ع) یا این که یک روز در هفته کارهای خوب‌تان را هدیه کنید به امام رضا(ع). یک روزهایی در مترو و اتوبوس فقط به همین نیت صندلی‌تون رو بدین به آدم‌های مسن. این رو بدوینم که خدمت کردن به خلق، خادمی کردن برای امام رضا(ع) است. توی شهر خودمون هم این کار رو بکنیم. می‌شه از زحمت یک مأمور شهرداری کم کرد و نوایش را تقدیم کرد به امام رضا(ع). خم بشین و تکه کاغذی را از زمین بردارین بعد هم رو به حرم بگین. اینم به عشق امام رضا جان. اصلاً کاری کنیم که اسم امام رضا(ع) را اطرافیانمون بیشتر بشنوند. وقتی کسی در مقابل کمک یا کار ما تشکر کرد بهش بگیم این کار به عشق امام رضا(ع) بود، از ایشون تشکر کنید. بعد ببینید چقدر حال خودتون و اطرافیان‌تون بهتر از قبل می‌شه.

## هر چه رفیقم بگه

خوبه که بدوینم رفیق ما ازمون چه توقعاتی داره، توی امور مهم زندگی‌مون نگاهی بندازیم و به صدای رفیق‌مون گوش کنیم. تازه وقتی در تصمیمات مهم با یکی مشورت می‌کنی و سعی می‌کنی نظرات اون را عمل کنی، اون رفیق مهربون هم بیشتر بشته و هواتو داره. رسم رفاقت می‌شه کارهایی بکنیم که رفیق‌مون ناراحت نشه. ما هم سعی کنیم در تصمیم‌ها و برنامه‌هامون یک‌طوری کار نکنیم که امام رضا(ع) بهمون بگن: این رسمش نبوده؛ البته کار سختی هم نیست. کافیه مقداری حواسمون رو جمع کنیم. راه‌های زیادی وجود داره که مورد رضایت ما و رفیق‌مون باشه.

## کعبنه رفیق

چیزی که محبت دو دوست را به هم زیاد می‌کنه، شناختن بیشتر است. این که شما بدویند رفیق‌تون چه ویژگی‌های خوبی داره باعث می‌شه بیشتر دوستش داشته باشین. برای همین هم هست که دوست‌های قدیمی رابطه‌شون قوی‌تره و صمیمی‌تر هم هستن، چون زمان طولانی باعث شده بیشتر همو بشناسن. ضمن این که خاطره مشترک هم زیاد دارن. حالا یک رفیق داریم که از وقتی چشم باز کردیم رفیق‌مون بوده، خاطره هم باهاش فراوان داریم، ولی هنوز خوب نمی‌شناسیمش. ضمن این که می‌دوینم رفیق همه چیز تمومه، ولی چرا دنبال این نیستیم که بشناسیمش؟! خوندن یک کتاب در سال یا یک مطلب کوتاه در هفته در مورد امام رضا(ع) باعث می‌شه شناختمون نسبت به ایشون بیشتر بشه و ایشون هم وقتی شاهد تلاش ما باشن حتماً بهمون کمک می‌کنن. با این کار دوستی‌مون خیلی محکم‌تر از همیشه خواهد شد.

## رفیق شاد و غمخوار

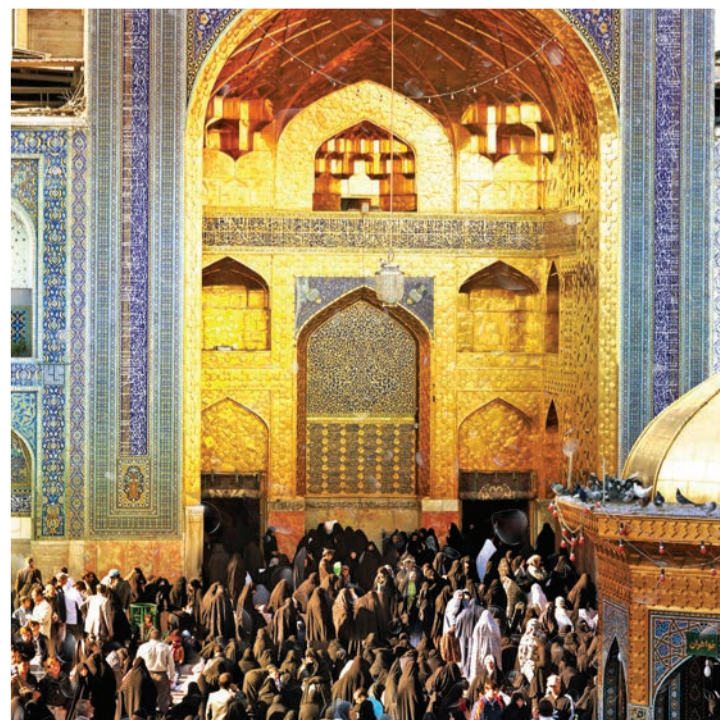
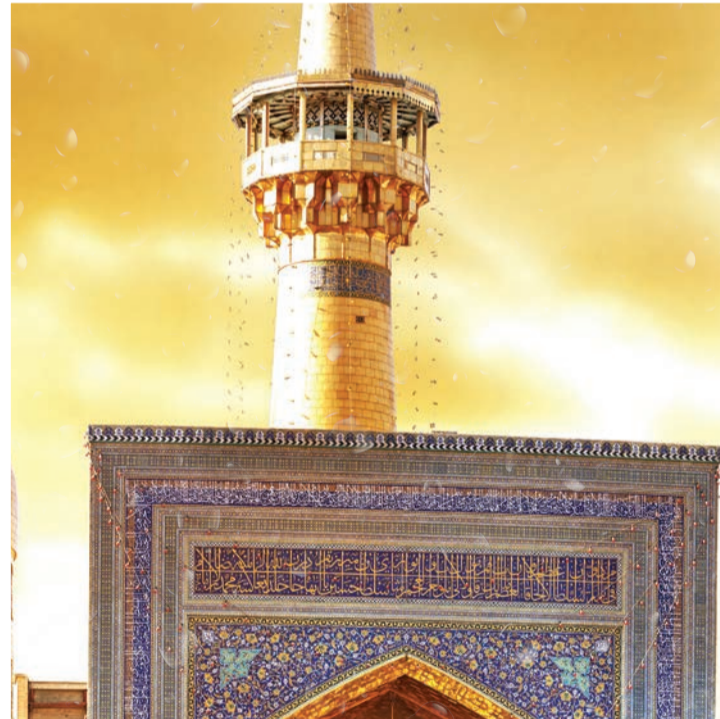
شما چندان دوست دارید که فقط وقتی ناراحتید سراغشون می‌روید؟ چندان دوست دارید که فقط وقتی دل‌تون گرفته بهشون سر می‌زنید؟ مثلاً دوستی دارید که وقتی مریض می‌شه به خونه‌اش برید؟ فقط یک وقت‌هایی باهاش قرار بذارید که دل‌تون گرفته؟ چنین دوستی دارید؟ بعد وقتی شادید و خوشحال و کیک‌تون خوروس می‌خونه دیگه سراغ اون رفیق نمی‌رین؟ مثلاً برای تولدتون دعوت‌شون نمی‌کنید؟ عروسی باشه اسمش رو در فهرست مهمونا نمی‌ذارید؟ رفیق اگر رفته باید برای همیشه باشه دیگه، شما هم رفاقت‌تون رو سر و سامون بدین. توی شادی‌هاتون هم از رفیق‌تون بخواید که هواتونو داشته باشه، حتی ازشون کادوی تولد هم بخواید. توی خوشحالی‌ها امام رضا(ع) را شریک کنید، یادشون باشید. ازشون بخواید که حتی به شادی‌هامون صفا و به حال‌وهوای دل‌مون وقتی خیلی خیلی خوشحالیم رونق بدن.

## صبح تولد

حالا تولد همین رفیق بی‌نظیرمون شده. رفیقی که دائم حواسش به ماست. هوای دل‌مون رو داره. اصلاً نمی‌شه از کنار تولدش رد بشیم و هیچ کاری نکنیم. اصلاً از چند روز قبلاً خوشحالی میاد توی دل آدم که قراره برای رفیق همه چی تموم، تولد بگیریم. قرار نیست کار خاصی کنید و یک عالمه پول خرج کنید. فکر کنید و کارهایی کنید که همه مردم شادی جشن تولد رو درک کنند. لباس تمیز و مرتب بپوشید و به همه تبریک بگید. مثلاً یک جعبه شیرینی بخريد و سرچهار راه بخش کنید. یک ريسه لاسپ برای یک شب اجاره کنید و شب میلاد به قشنگی شهر کمک کنید. برای جعبه هدیه‌های کوچولو و خوشمزه بخريد و بگید تولد رفیق‌تونه. راستی!!! سلام سر صبح امروز همچین دلنشین‌تر می‌شه هاست.

## مثل رفیقم

هر دوستی یک ویژگی‌های خوبی داره که کم‌کم روی اطرافیان هم تأثیر می‌ذاره. رفاقت با امام رضا(ع) که همه ویژگی‌های خوب را دارن، فرصت خوبی برای این که ما هم ویژگی‌های خوب‌شون رو یاد بگیریم. مثلاً بدوینم که ایشون وقتی به عالم آل محمد معروف بودن، بس می‌شه برای برکت داشتن علم‌آموزی و درس خوندن‌هامون روشون حساب کنیم. یا این که امام رضا(ع) وقتی هدف‌شون تبلیغ و ترویج دین پیامبر(ص) بوده، از هر فرصتی استفاده می‌کردن، حتی اگر اون فرصت شرایط سختی باشه، مثل این که در خانه دشمن باشی. این روحیه کلید حل خیلی از مشکلات ما هم هست. ازشون بخوایم ما هم یاد بگیریم که کار نشد نداره.



کوه به کوه نمی‌رسه، ولی مربی به بازیکن

# آشتی کنان



در روزهای پراشهایی که میلان با قراردادی آزاد «پیرلو» را به یوونتوس واگذار کرد، «آگری» روی نیمکت داغ روسونری (لقب تیم میلان) نشسته و در آن فصل تنها ۱۷ بار از پیرلو در ترکیب تیمش استفاده کرده بود. چه بسا همین موضوع یکی از دلایل عدم نتیجه‌گیری میلان با آگری در نگاه هواداران این تیم بود تا جایی که روسونری‌ها احتمالاً هرگز مربی سابق خودش را برای این که اجازه داد تا پیرلو سن‌سیرو (ورزشگاه اختصاصی تیم میلان) ترک کند، نبخشند، اما در عوض بانوی پیر (لقب تیم یوونتوس) نه تنها یکی از بهترین هافبک‌های فوتبال جهان را به‌دست آورد بلکه با آگری هم درخشید و این دو پیش از این که پیرلو تورین را به مقصد نیویورک ترک کنند، چندین بار دوگانه قهرمانی در ایتالیا را به دست آوردند. آگری پیرلو را از میلان راند، ولی دو سال بعد در یوونتوس دست در دست هم جشن قهرمانی خود را برپا کردند!



گرفت هافبک اسپانیا قهرمانی لیگ بود، اما با این دو سال بعد از این تغییر داد دوباره فصل گذشته، ولی هواداران برای تر...

ابتدای این هفته در شهر میامی آمریکا برگزار شد

## ال کلاسیکوی یک میلیارد



صنعت بزرگی مانند فوتبال که میزان هنگفتی پول موشکافانه تری دارد. چندین ایجنت (مدیر برنامه) کاری جابه‌جا کنند، بدون این که سازمان مالیاتی را در جریان و دستمزدها روزی‌به‌روز بالاتر می‌رود. «کریستیانو رونالدو» سرشاری به جیب زده است. او سالانه ۴۰ میلیون یورو در شده و مالک یک جت شخصی هم هست. دو شرکت ایر این آشنایی مهاجم رئال مادرید و ایجنتش مالک بخشی

داستان رویه اشتباهی که به برنامه‌های تلویزیونی هم سرایت کرده است

## درآمد چقدر



همه چیز در باره مراسم تنفیذ و تحلیف ریاست جمهوری

# روز تحلیف ریاست جمهوری

مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، امروز صبح ساعت ۱۰ در حسینیه امام خمینی (ره) و در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی برگزار خواهد شد. پس از آن در روز شنبه مراسم تحلیف ریاست جمهوری در مجلس شورای اسلامی برگزار خواهد شد و رئیس‌جمهور سوگند یاد خواهد کرد.

### رئیس‌جمهور رسمی می‌شود

حتماً این روزها در اخبار خبرهایی در مورد مراسم تحلیف و همین‌طور تنفیذ ریاست جمهوری می‌شنوید. شاید بعضی وقت‌ها هم به‌اشتباه فکر کنید که هر دوری این اسم‌ها یکی هستند و فقط برای اینکه مراسم ریاست‌جمهوری شدن را بی‌خودی پروبال بدهند، برایش چند تا اسم و چند تا روز و برنامه گرفته‌اند. خدمتتان عرض کنیم که تنفیذ و تحلیف ریاست‌جمهوری دو تا مراسم جداگانه و مهم هستند که یکی پس از دیگری برای رسمیت پیدا کردن حکم ریاست‌جمهوری باید برگزار شوند. اگر می‌خواهید روزی روزگاری رئیس‌جمهور شوید خوب است بدانید که این شغل خیلی هم آسان نیست و همین‌طوری نمی‌شود رئیس‌جمهور یک مملکت بخصوص مملکتی مانند ایران شد. برای این کار لازم است اول شما تشریف ببرید و برای نامزدی ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کنید. پس از ثبت‌نام شورای نگهبان در مورد شما تحقیقات می‌کنند و اگر جواب تحقیقات مثبت بود جنبه‌عالی می‌توانید در انتخابات ریاست‌جمهوری به‌عنوان نامزد این پست شرکت کنید. اگر در این به‌تخته خورد و بیشترین رأی را آوردید، فکر نکنید که کار تمام‌شده و رئیس‌جمهور شدید، رفت پی کارش! نخیر پس از انتخابات دوباره شورای نگهبان وارد کار شده و می‌روند و در مورد صحت انتخابات، تحقیق می‌کنند، چنانچه این شورا درست بودن انتخابات را تأیید کرد تازه شما به یکی از مهم‌ترین قسمت‌های ماجرا می‌رسید که به‌اندازه رأی آوردن و بلکه بیشتر مهم است. این قسمت مهم همان قسمت «تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری» است.

### تنفیذ چیست؟ تحلیف کدام است؟

اگر نمی‌دانید، هیچ ایراد ندارد ما بهتان می‌گوییم که واژه تنفیذ به معنی امضاء کردن است. امضاء هم لابد شما که توی کار کارنامه و رضایت‌نامه

گرفتن هستید می‌دانید، که به معنی تأیید و موافقت با یک موضوعی است. رهبر با امضاء حکم ریاست‌جمهوری اعلام می‌کنند که رئیس‌جمهور را تأیید کرده‌اند. خوب است بدانید که رئیس‌جمهور بدون این امضاء از نظر قانونی به‌عنوان رئیس‌جمهور اختیار هیچ کاری را ندارد. چون بر اساس مبانی دینی ما ولایت و سرپرستی مردم و همه آنچه به جامعه و مردم مربوط است، بر عهده فقیه جامع‌الشرایط است و به همین خاطر هم از ابتدا در قانون اساسی اصل ولایت‌فقیه آمده است. این اصل می‌گوید که وقتی کسی به‌عنوان رهبر انتخاب شد، تمام مسئولیت‌ها و سرپرستی هر مسئله‌ای در کشور در تمام قوای سه‌گانه و سایر بخش‌ها بر عهده ایشان است و ایشان هستند که این بخش‌ها را تأیید کرده و به‌اصطلاح به آن‌ها مشروعیت می‌دهند. این مشروعیت تا زمانی برقرار است که رئیس‌جمهور در حوزه قانون اساسی و شرع عمل کند. پس از تنفیذ نوبت به مراسم تحلیف می‌رسد. تحلیف حکم ریاست‌جمهوری با حضور رئیس دیوان عالی کشور، اعضای شورای نگهبان قانون اساسی و رئیس قوه قضائیه انجام می‌شود. این مراسم در مجلس شورای اسلامی انجام شده و در آن رئیس‌جمهور منتخب بر طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی سوگند یاد می‌کند که همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه انجام مسئولیت‌هایی که برعهده گرفته است، به کار گیرد و در پایان سوگندنامه را امضا می‌کند.

### فرق تحلیف و تنفیذ چیست؟

مطمئنم تا اینجا متوجه شدید که این دو مراسم باهم فرق دارند و پس از رسمیت و مشروعیت ریاست‌جمهوری در تنفیذ، طبق قانون اساسی ما، رئیس‌جمهور در مجلس شورای اسلامی سوگند می‌خورد. این سوگند نوعی تعهد به خداوند است که در مقابل نمایندگان مردم انجام می‌شود و بر اساس آن قسم یاد می‌کند که وظایف خود را دقیقاً انجام دهد این را تحلیف یعنی قسم خوردن می‌گویند. تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری موضوعی قطعی نیست یعنی اینکه در صورت انحراف رئیس‌جمهور از وظایف مهم تعیین‌شده رهبری می‌تواند برای حفظ کشور و مصلحت مردم حکم تنفیذ را لغو کنند و مجلس در این شرایط رأی به عدم کفایت رئیس‌جمهور می‌دهد و رئیس‌جمهور نمی‌تواند به فعالیت‌های خود ادامه دهد، به همین دلیل کشور ما جزو کشورهایی است که قدرت تحت کنترل مردم است و این یعنی نمونه واقعی مردم‌سالاری دینی.

### باشگاه خبرنگاران جوان

#### کدایی که روی گنج مرد



# اسکودج کشور عراق بودن ایشان

پیرزن که همه محل او را به خاطر فقرش می‌شناختند و ظاهراً از راه گدایی روزگار می‌گذراند، پس از مرگ نه تنها همه اهالی محل و شهرش را که مردم کشور عراق باشند را شگفت‌زده کرد بلکه در شبکه‌های مجازی هم معروف شد. پس از مرگ یک پیرزن عراقی، پلیس که برای تحقیقات به خانه اجاره‌ای او رفت با صحنه‌ای عجیب روبه‌رو شد. مأموران پلیس پس از بازرسی منزل پیرزن گدا مقدار زیادی پول، طلا و ارزهای گوناگون پیدا کردند که در کیسه‌های نایلونی پنهان شده بود. اموال کشف‌شده متعلق به این پیرزن، ۷۲ میلیون و ۳۲۲ هزار دینار عراقی، ۱۱۹ لیتر لبنانی، ۳۰۰ دینار کویتی، ۳۲۰ روپیه پاکستانی، ۹۰ ریال سعودی، ۵۶۲ دلار آمریکا، ۴۴۰ تومان ایرانی، ۷۰ روپیه افغانی، ۱۰ یورو و همچنین مقداری روپیه هند بود.

### باشگاه خبرنگاران جوان

#### دزدی رژیم صهیونیستی از مسجد الاقصی



# غارتگران دینک

بر اساس اخباری که اردنی‌ها منتشر کرده‌اند، نظامیان صهیونیست در مدت‌زمان بسته بودن درهای مسجد الاقصی و مسدود بودن آن، اسناد و مدارک زیادی را از این مسجد و موزه اسلامی دزدیده‌اند. قرار است بر این اساس گزارشی به وزارت خارجه اردن و پس از آن به نخست‌وزیر این کشور ارائه شود تا به اقدامات رژیم اشغالگر قدس واکنش نشان داده شود. بر اساس معاهده صلحی که میان اردن و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۴ امضا شده است، اردن مسئولیت اداری اماکن مقدس اسلامی و مسیحی در قدس اشغالی را بر عهده دارد.

شما هم احساس می کنید که گفت و گو کردن با فرزند نوجوان تان دشوار تر از قبل شده است؟ بیشتر از قبل بحث تان می شود؟ خوب است بدانید، بسیاری از والدین دیگر هم مثل شما، این مسأله را تجربه می کنند و از این که نمی توانند گفت و گوی آرامی با فرزند خود داشته باشند، ناراحت می شوند. گفت و گو با نوجوانان نیاز به دقت نظر و مهارت های بیشتری دارد.

کوتاه از هفته اول لیگ برتر ایران

# آماده آتش کردن...!

● هواداران استقلال می توانند مانند مدیرعامل این تیم، دل شان را به روزها و هفته های آینده خوش کنند، ولی راستش را بخواهید با نمایشی که در آبادان مقابل صنعت نفت به نمایش گذاشتند، «منصوریان» باید به جای لعنت فرستادن به مدیران فدراسیون، فکری هم به حال تاکتیک تیمش بکنند. عجیب ولی واقعی این است که استقلال در نود دقیقه نهنها هیچ موقعیتی به دست نیآورد بلکه شناس آورد که کار با یک گل خورده برایش به پایان رسید.

● مهاجم کامرونی پارس جنوبی، ستاره این تیم در بازی با گسترش فولاد بود. او که در ابتدای مسابقه یک پنالتی را هدر داد، در ادامه دوبار با ششم گلزنی فوق العاده اش دروازه «دخسوس» را باز کرد. «نانگ» چندین بار با هوش بالای خود خط دفاع گسترش را آزار داد تا باخت سنگین در هفته ابتدایی برای شاگردان «لوکا» رقم بخورد. او بهترین بازیکن هفته اول و البته آقای گل فعلی لیگ محسوب می شود.

● از بین ۱۶ دروازه بان که در هفته اول به میدان رفتند ۱۳ دروازه بان سابقه بازی در لیگ برتر را داشتند. «فرزین گروسیان» (تراکتورسازی تبریز)، «سید محمدرضا حسینی» (سپیدرود) و «مهدی صدقیان» (سپاهان) سه تازه وارد لیگ برتر بودند. هیچ کدام از این سه گلر موفق به کلین شیت نشدند. در مقابل «علیرضا بیرانوند» (پرسپولیس)، «ناصر سالاری» (نفت آبادان) و «وحید شیخ ویسی» (استقلال خوزستان) سه گلری بودند که لیگ را با کلین شیت شروع کردند.

● چه کسی فکرش را می کرد که نفت تهران با همه مشکلاتش بتواند لیگ را با پیروزی آغاز کند؟ دو اشتباه مرگبار از مدافعان سپیدرود باعث شد تا سه امتیاز به راحتی هرچه تمام به تیمی برسد که تنها سه بازیکن روی نیمکت خود داشت و در این بین خبری از دروازه بان تعویضی هم نبود. شاید نفت و «درخشان» از پیروزی خود خوشحال باشند، ولی خب آن ها خوب می دانند که همیشه دو اشتباه مرگبار پشت سرهم برای رسیدن به گل نصیب شان نمی شود.

● پارس جنوبی جم شروعی توفانی در لیگ داشت. تیمی که به راحتی مجوز حضور در لیگ را به دست آورد و در فصل نقل و انتقالات ریخت و پاش نکرد، حالا با مربی جوان خود، حساسی گل کاشته است و چهار بر یک از سد گسترش فولاد گذشته است؛ البته «تارتار» خوب می داند که غرور این برد می تواند تا هفته ها گریبان باران جوان تیم را بگیرد.

● هفته اول لیگ برتر در حالی به پایان رسید که در هشت بازی انجام شده بیست بار توپ از خط دروازه ها عبور کرد تا میانگین دو و نیم گل در هر بازی به ثبت برسد. در ۱۶ دوره قبلی رقابت های لیگ برتر، در لیگ سوم با ردوبدل شدن ۳۱ گل در هفته اول، آن هم در لیگ چهارده تیمی بیشترین آمار گلزنی ثبت شد. در لیگ های پنجم و هشتم هم به ترتیب با ۲۹ و ۲۶ گل بیشترین تعداد گل ها در هفته نخست ردوبدل شد. لیگ سیزدهم که شانزده تیمی بود با ردوبدل شدن تنها ۱۲ گل بدترین آمار را از لحاظ عددی در اختیار دارد و از لحاظ میانگین هم لیگ هشتم که ۱۸ تیمی بود با ۹ گل و میانگین ۱/۴۴ بدترین آمار را به دست آورده است.



علیرضا گرانی پایه | حرف مرد همیشه هم یکی نیست؛ یعنی حداقل در فوتبال بارها و بارها ضد این گفته ثابت شده است. تا دل تان بخواهد می توانیم در مورد بازیکنانی حرف بزنیم که بارها و بارها مخالف حرف های خود در گذشته رفتار کرده اند (نمونه وطنی اش را هفته گذشته برایان تنانت معرفی کردیم). در روزهای داغ نقل و انتقالات تايستانی فوتبال اروپا می خواهیم در مورد بازیکن و مربی هایی حرف بزنیم که شاید روزگاری به هر دلیلی قید همکاری با یکدیگر را زدند، ولی خب دست تقدیر یا هر چیز دیگری باعث شد تا بازیکن و مربی نتوانند سر قول عدم همکاری شان بایستند. این شما و این شما و این چند نمونه کاملا مشهور و سرشناس از مربی و ستاره هایی که به نظر می رسد خیلی زود با هم آشتی کردند.

«روملو لوکاکو» که در زمان حضورش در چلسی از سوی «مورینیو» به تیم دیگری فروخته شد، اما حالا پس از سال ها آن ها بار دیگر در منچستر یونایتد با یکدیگر کار می کنند. مورینیو از روی سرگرمی تن به این کار نداده بلکه این مهاجم بلژیکی آن قدر در دو فصل گذشته برای وست بروم و اورتون گلزنی کرد که خوزه، کار دوباره با او را پذیرفت. مورینیو سال ها قبل او را در ازای ۲۴ میلیون پوند فروخته بود، حالا برای به دست آوردن مجددش ۷۵ میلیون پوند پرداخت کرده است؛ البته این تنها داستان عشق و نفرت مورینیو در فوتبال نیست. در تیم آقای خاص، «اسکار» برای قرار گرفتن در ترکیب یازده نفره چلسی به «ماتا» ترجیح داده شد تا این بازیکن در ژانویه سال ۲۰۱۴ به منچستر یونایتد واگذار شود. این انتقال با مبلغ ۳۷ میلیون پوند صورت گرفت که در آن زمان رکورد نقل و انتقالات باشگاه بود. تنها دو سال و نیم بعد مورینیو مربی تیمی شد که ماتای بیست و نه ساله را در ترکیب خودش داشت.

مورینیو  
 لوکاوماتا  
 ثلث عشق  
 و نفرت

«یحیی توره»، هافبک آفریقایی با وجود پتانسیل زیادی که داشت به دلیل اختلافات شخصی میان او و «گواردیولا» تصمیم گرفت از بارسلونا برود. در سال ۲۰۱۰ گواردیولا در ادامه تغییر و تحولی که تصمیم داشت در تیمش ایجاد کند، یحیی توره را با قیمت ۲۴ میلیون پوند به منچستر سیتی واگذار کرد. حالا از آن روز هفت سال می گذرد و این هافبک ساحل عاجی هفت فصل است که در ورزشگاه اتحاد (ورزشگاه خانگی منچستر سیتی) بازی می کند و در این مدت به دو قهرمانی سیتی ها در جزیره کمک کرده است. آمدن پپ به اتحاد در ابتدا به نظر مشکل ساز می آمد، اما با آشتی دو طرف، توره توانست به ترکیب تیم بازگردد؛ البته هنوز هم خیلی از کارشناسان، آشتی گواردیولا با توره را از روی اجبار می دانند. شاید اگر یک هافبک دفاعی خوب از سوی مدیران باشگاه جذب شود، باز هم پپ قید حضور توره را در تیمش بزند.

یحیی توره  
 گواردیولا  
 محکوم  
 به آشتی



پیرلو  
 آگری  
 مرگ  
 میلان



ژابی آلونسو  
 آنجلوتی  
 دو سال  
 دوری

در آگوست سال ۲۰۱۴ وقتی «آنجلوتی» تصمیم که «آلونسو» به بایرن مونیخ فروخته شود، این بانیایی قهرمانی لالیگا، دو قهرمانی کوپال ری و قهرمانان اروپا را با رئال مادرید به دست آورده حال مربی ایتالیایی با فروش او موافقت کرد. تنها که آلونسو محل فوتبالش را از برنابو به آلیانزا رنا سروکه آنجلوتی روی نیمکت بایرن پیدا شد. همه چیز بین مربی و بازیکن عادی سپری شد، رئال مادرید معتقدند که آلونسو خودش علاقه ای ک مادرید نداشته است و فشار آنجلوتی هافبک مستحکم آن ها را روانه مونیخ کرده است.

ورزشگاه هارد راک با ۶۵ هزار نفر گنجایش، میزبان ال کلاسیکو بود. در حالی که بیست جایگاه اختصاصی در این ورزشگاه بود که دو جایگاه آن از سوی «کارملو آنتونی» و «لیرون جیمز» زرو شدند. دو بازیکن حاضر در NBA برای خرید بلیت ۶۰ هزار تا ۸۰ هزار دلار هزینه کردند تا ال کلاسیکو را از نزدیک تماشا کنند. استقلال از این بازی به حدی بوده که هتل داران محله های مشهور شهر اعلام کردند اتاق خالی ندارند. از طرفی فروش دوباره بلیت در آمریکا قانونی است؛ البته زمانی که مالیت آن برداخت شود. یک هوادار بارسلونا که از کلرادو به میامی سفر کرده است در گفت و گو با Cadena Ser گفت: ۲ هزار دلار برای بلیت برداخت کردم که با مالیت ۲۱۱۴ دلار رسید. تماشاگران برای تماشای تمرینات دو تیم در ورزشگاه هارد راک هم باید هزینه کنند. قیمت هر بلیت ۲۰ دلار است. حالا احتمالا متوجه شدید که یک باشگاه حرفه ای چگونه می تواند در روزهایی که خبر از بازی های رسمی هم نیست، پول در بیاورد!

داستان مالیات و بازیکنان سرشناس فوتبال این روزها حسابی به یکدیگر گره خورده است

نیمچه پرنده

## فرار مالیاتی



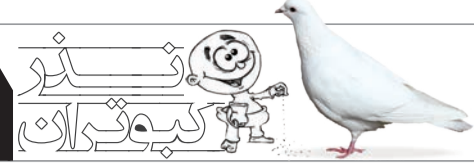
به جمع دارایی های رونالدو اضافه شد در شرکتی ساحلی در «بریتیش ویرجین آبرلند» (که به پشت قرار مالیاتی معروف است) به حساب یک بانک سوئیسی منتقل شده است. نتیجه این که رونالدو با استفاده از تکنیک فرار مالیاتی (۱) به جای ۱۵ میلیون یورو، فقط ۶ میلیون یورو مالیات پرداخت کرد. تقریباً همه موکل های «متنذر» که یکی از مشهورترین مدیر برنامه های دنیای فوتبال است در ماه های اخیر در دادگاه اسپانیا پاسخگوی سؤالی های درباره فرار مالیاتی خود بوده اند. تعدادی از آن ها مثل «فالكاتو» به پرداخت جریمه محکوم شده اند. «خامس رودریگز»، هافبک رئال مادرید که به تازگی با قراردادی قرضی راهی بایرن شده آخرین چهره مهمی به شمار می رود که باید در دادگاه پاسخگو باشد.

در آن جابه جا می شود، طبیعتاً از نظر مالیاتی نیاز به بررسی می شود می توانست به راحتی این میزان پول را روی انگشت شان بگذارند. بازیکنان سیستمی مشخص روی زمین پیاده می کنند «الدو» یکی از همین بازیکن هاست که در سال های اخیر سود آید دارد. مانسین های لوکس زیادی در پارکینگ خانه اش پارک رندنی از رونالدو در تبلیغ هایشان استفاده می کنند و در جریان آن از سهام یکی از این شرکت ها شدند. در آمدی که از این راه

برنده یک ماشین ۳۰۰ میلیون تومانی شده است. اسپانسر برنامه قرعه کشی کرده و برنده از جایی در شمال است. دستگاه کارت خوانی در مغازه اش داشته و به همین دلیل در قرعه کشی شرکت داده شده است. این را «جواد خیابانی» از برنده می پرسد و او جواب مثبت می دهد. بعد اما، آقای مجری برنده خوش شناس را با سؤال بعدی گیر می اندازد: «چقدر با این دستگاه می فروشید؟». «چقدر در آمد دارد؟»، «بالاخره دخل و خرج مغازه تان که معلوم است.» برنده هم هر بار از جواب دادن طوری ظفره می رود و آخر با گفتن «قدر یک مغازه خواروبار فروشی در یک شهر کوچک» خود را نجات می دهد. خیابانی سرانجام دست از سر برنده برمی دارد و خدا حافظی می کنند که با «محسن خلیلی» درباره بازی پرسپولیس و فولاد صحبت کنند. خلیلی اما با ۲۰۰ میلیونی که برنده گرفته شروع

برنده می کند: «۳۰۰ میلیون هم اصلاً پول کمی نیست...» و بعد تبریک هم می گوید. این داستان، برنامه هفته گذشته فوتبال برتر است. راستش را بخواهید ماجرا اصلاً اشتباه لفظی یک مجری نیست. ماجرا یک عادت دسته جمعی است. همان عادتی که باعث می شود چشم های همه روی فیش های حقوقی همکاران شان بچرخد و گاهی از آن دستاویزی درست شود برای جانی که می کنند و حق شان که از دست می رود. جواد خیابانی هم دوست ندارد کسی از درآمدش از صداوسیما، تدریس و... سر در بیاورد. ولی احتمالاً مثل همه ما دوست دارد در آمد دیگران، از کارشان، از آن چه خود پنهان می کند سر در بیاورد. راستی با همین رویه نیست که صداوسیما نمی گوید در آمدش از بخش فوتبال چقدر است؟ تا حالا شده جواد خیابانی این را از جایی که برایش کار می کند بپرسد؟ شاید این طور نظرش درباره حق پخش تلویزیونی لیگ برتر عوض شود.

برنده می کند: «۳۰۰ میلیون هم اصلاً پول کمی نیست...» و بعد تبریک هم می گوید. این داستان، برنامه هفته گذشته فوتبال برتر است. راستش را بخواهید ماجرا اصلاً اشتباه لفظی یک مجری نیست. ماجرا یک عادت دسته جمعی است. همان عادتی که باعث می شود چشم های همه روی فیش های حقوقی همکاران شان بچرخد و گاهی از آن دستاویزی درست شود برای جانی که می کنند و حق شان که از دست می رود. جواد خیابانی هم دوست ندارد کسی از درآمدش از صداوسیما، تدریس و... سر در بیاورد. ولی احتمالاً مثل همه ما دوست دارد در آمد دیگران، از کارشان، از آن چه خود پنهان می کند سر در بیاورد. راستی با همین رویه نیست که صداوسیما نمی گوید در آمدش از بخش فوتبال چقدر است؟ تا حالا شده جواد خیابانی این را از جایی که برایش کار می کند بپرسد؟ شاید این طور نظرش درباره حق پخش تلویزیونی لیگ برتر عوض شود.

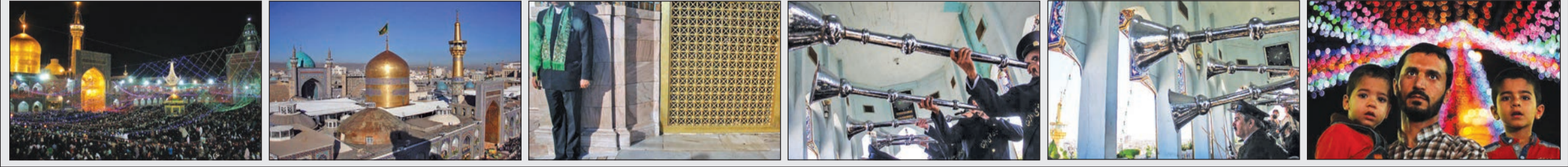


آواره صحرا و بیابان شده‌ام  
سودازده طره جانان شده‌ام  
همراه فرشتگان و جبرئیل امین

جار و کوش کعبه خراسان شده‌ام  
این معجزه پنجره فولاد رضاست  
امروز اگر اهل و مسلمان شده‌ام

## نمایشگاه

این روزها و شبها، این لحظه‌های پر از احساس، این دقایق تکرار نشدنی که عقربه‌های ساعت به میلادتان نزدیک می‌شود، چقدر دلم هوای زیارت دارد.



## هدیه‌های هشتاییها

دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.  
پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir



## قلبم را گره زدم لطفاً بازتر نکنید

بزرگ‌ترین مشکل برای این که از شما بنویسم این است که دقیقاً نمی‌دانم از کجا و چگونه شروع کنم؟ از خودتان و مهربانی‌تان بگویم؟ از زائران‌تان بگویم؟ از حال‌وهوای حرم بگویم؟ از صحن‌ها و رواق‌ها و آیینه‌کاری‌ها و چلچراغ‌ها بگویم یا از سقاخانه و نقاره‌خانه و کبوتران حرم؟ از پرچمی که آرام و سبک‌بال روی گنبد شما در اهتزاز است بگویم یا پروانه دعایی که دور گلدسته‌های شما در پرواز است؟ از چه بگویم؟  
گفتن از شما سخت است. نه برای من، برای همه کسانی که می‌خواهند از شما بگویند. به خاطر بزرگی‌تان، مهربانی‌تان، کرم‌تان و صفایان. انگار در همه جای حرم هستید و باور دارم که هستید. انگار همه آن‌هایی را که به دیدارتان می‌آیند می‌بینید و باور دارم که می‌بینید. جواب سلام همه را می‌دهید، از حال‌وروز همه آدم‌هایی که دل به محبت شما سپرده‌اند باخبرید و آن‌قدر حضورتان پررنگ است که احساس می‌کنم با همه زائران‌تان در صحن‌ها و رواق‌ها قدم می‌زنید؛ درد دل‌شان را گوش می‌کنید و دست‌تان را روی قلب‌های خسته‌شان می‌گذارید تا آسوده‌خاطر راهی شهر و دیارشان شوند. گفتن از شما سخت است برای این که حضور شما حتی فراتر از حرم است، فراتر از شهر مشهد. وقتی دل‌سوخته‌ای با هزاران هزار فرسنگ فاصله، دلش برای‌تان تنگ می‌شود، هوای دیدارتان را می‌کند! همان لحظه خودتان را می‌رسانید، همان لحظه دستش را می‌گیرید و قلبش را آرام می‌کنید. چقدر خوب که هستید، چقدر خوب که به ایران آمدید و چقدر خوب که سهم ما شدید. نوشتن از شما سخت است. خصوصاً در این روزها که جهان به تولد شما شاد است و کبوتران با نگاه شما جان دوباره گرفته‌اند و خودشان را به گنبد طلایی شما رسانده‌اند. من که پر پرواز ندارم، من که راه درازی دارم تا مشهد، من که حتی اگر به مشهد هم آمده‌ام، فرصت دیدارم با شما کوتاه بوده است، من که گم شدن توی صحن گوهرشاد و چرخیدن دور سقاخانه را دوست دارم، پس من از همین‌جا، از این گوشه دنیا قلبم را گره می‌زنم به پنجره‌های ضریح‌تان، لطفاً بازش نکنید!



## حاجت روا

حاجت رواست هر که از این راه می‌رود  
سمت خدا و سمت ره و شاه می‌رود  
یک سایه سیاه که گاهی شبیه شب  
دنبال روشنی، پی یک ماه می‌رود  
مثل کبوتری که دو بالش شکسته‌اند  
گاهی به راه آمده، ناگاه می‌رود  
چشم‌انتظار لحظه زیبای پای‌بوس  
با اشک، سوز و ناله و با آه می‌رود  
سمت ضریح مهر همان مرد قصه‌ها  
با ذکر اعظم ولی‌الله می‌رود  
دستش که می‌رسد به ضریح از میان جمع  
کوه غرور می‌شکند، کاه می‌رود  
شاید دگر به آمدنش اعتبار نیست  
با عشق آمده ست به اکراه می‌رود

فاطمه شبیانی  
عضو نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تربت حیدریه.

## دلم را گم کرده‌ام

از وقتی که قلبم را برای اولین بار به پنجره  
فولادت گره زده‌ام  
از وقتی که پرنده‌های سینه‌ام را در صحن  
آزادی‌ات رها کرده‌ام  
از وقتی کوه بغض‌هایم در صحن انقلاب منقلب  
شدند و فرو ریختند  
دلم را گم کرده‌ام  
و حالا  
هر هفته  
هر چهارشنبه  
به پای‌بوسی‌ات می‌آیم در پی دلم و  
صحن به صحن دنبالش می‌گردم  
میان این همه همه  
میان این همه شلوغی  
میان زمزمه این همه زیارت‌نامه  
دلم را گم کرده‌ام  
نمی‌دانم شاید  
باید در دفتر گمشدگان حرمت  
جویای دلم باشم

لیلا جوان  
عضو نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره هفت مشهد.

## حریم حرمت

چون ز هر جا طلب رضا می‌خیزد  
ابر و باد و مه و خورشید به پا می‌خیزند  
قصد ک‌ها که صدای قدمت می‌شنوند  
دست در دست ملائک به هوا می‌خیزند  
چون که تو ضامن آهوی اسیری شده‌ای  
آهوان پیش نگاه تو ز جا می‌خیزند  
تا که چشمم به حریم حرمت می‌افتد  
بند در بند وجودم به دعا می‌خیزند

محمدرضا پودینه  
عضو نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره یک مشهد.

## بر تن خسته‌ام بیار...

من در این روزگار پرحسرت  
من در این آسمان پر باران  
می‌شمارم ستاره‌هایم را  
می‌شوم سمت مهرتان خواهان  
گم شدم در شب و سیاهی‌ها  
گم شدم در سکوت بی‌بایان  
حس و حال مرا نگاه کنید!  
گشته‌ام یک کویر بی‌باران  
کاش می‌شد دمی بیاسایم  
در حریم نگاه‌تان شادان  
آه ای هشتمین ستاره سبز  
بر تن خسته‌ام بیار ای جان

غزل مروارید  
عضو نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره هفت مشهد.



## خسته از تمام شهر

باز طلوع دلنشین  
و یک صدای آشنا  
و روح من کبوتری  
که می‌شود ز تن رها  
دوباره پر گشوده‌ام  
به دور گنبد رضا  
و خسته از تمام شهر  
صدا زدم تو را تو را  
شدم کبوتر حرم  
غریب و خسته بی‌پر  
به دور گنبدت بین  
چه عاشقانه می‌پر

محمدرسول اسعدی  
عضو نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره هفت مشهد.

## پرنده اشکی در چشمم

پرنده اشکی در گوشه چشمم...  
و ابره‌هایی که از دریای چشمانت می‌گذرند  
از جنگل‌های بی‌آهو،  
برای شادی هزاران دختر کشاورز  
شهری دیوانه،  
با تیک تاک ساعت‌ها  
با سکوت زخم‌ها  
اینک؛  
من روبه‌روی جهانی ایستاده‌ام...  
ای سروپا و دل  
چطور به سمت تو برمی‌گردیم ما که بی‌سروپا و  
دلیم؟  
در این جا،  
قاب عکس ایران یاد من و هزاران من  
در رواق‌های تو  
در ذهن آینه‌ها  
گندم‌ها و کبوترها  
خواهد ماند...  
این جهان و این همه تاریکی  
این حرم و این همه کبوتر  
این همه آسمان و این همه خوشبختی  
تا من زندگی کنم،  
با غریبی آشنا با ضامنی محکم...

تکتم دل‌سوز  
عضو نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره دو گناباد.



پارسال دست راستم از چهار جا شکست. ولی به دلیل خستگی تا فرداش درد کشیدم و نرفتم بیمارستان. اینو گفتم تا تعریفتون از تبیلی عوض شه.

### # تبیل خان

آکه گفتین به بچه‌ای که شاد و شگول داره بازی می‌کنه و می‌دود در زبان فارسی چی می‌گن؟ می‌گن ندو می‌خوری زمین.

### # خوشمزه خان

«کمبزالایون» چیست؟  
نام یک دارو است؟  
نام یک دانشگاه است؟  
نام منطقه‌ای از آفریقا است؟  
خیر!  
توصیه تبیل‌خان است به فرزندش هنگام خوردن نون و پنیر!

### # خسیس خان

تلفظ صحیح چهارمین روز هفته کدام است؟  
چارشنبه، جاهارشنبه  
چهارشنبه، چارشیمه  
هیچ کدوم نیست. سه‌شنبه صحیحه.  
چهارمین روز هفته سه‌شنبه هست!  
حتماً درس هم می‌خونی. می‌خواهی مهندسم بشی  
ای ولی بر من.

### # خوشمزه خان

الان به جویری که داری یه داستانیو تعریف می‌کنی  
دیگه حتی نمی‌تونی پیاز داغشو زیاد کنی، از بس گرونه.

### # خوشمزه خان

یه جویری درباره دونه‌های انار می‌گن،  
بانظم و ترتیب یک‌جانشستن  
انگار دونه‌های ذرت با شلوار راحتی تو کوجه هستند.

### # خوشمزه خان



https://telegram.me/khosroanjom\_majid